

امنیت فضای مجازی و دفاع الکترونیکی

جلسه هجدهم

فصل سوم: احکام امنیت فضای مجازی

۹۵/۲/۲۳

فصل دوم: «امنیت فضای مجازی»

۲.۱. تعریف امنیت فضای مجازی

«حفاظت و مقاوم سازی دارایی های فضای مجازی در برابر تهدیدهای فضای مجازی»

۲.۲. تهدیدهای امنیتی فضای مجازی

فصل سوم: «احکام امنیت فضای مجازی»

۳.۱. سرقت سخت افزار :

حدّ سرقت تلفن همراه

بحث ما در باب حدّ سرقت این بود که سرقت تلفن همراه از جیب صاحب آن

شامل حکم قطع دست می شود یا نه؟

موثقه سكونى:

- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أُتِيَ
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بِطَرَّارٍ قَدْ طَرَّ دَرَاهِمَ مِنْ كُمَّ رَجُلٍ فَقَالَ إِنْ كَانَ قَدْ طَرَّ مِنْ
قَمِيصِهِ الْأَعْلَى لَمْ أَقْطَعْهُ وَإِنْ كَانَ طَرَّ مِنْ قَمِيصِهِ الدَّاخِلِ قَطَعْتُهُ.

- تبیین شیخ طوسی:

- ... أَنَّ الطَّرَّارَ يُقْطَعُ ... إِذَا طَرَّ مِنَ الثَّوْبِ الْأَسْفَلِ فَأَمَّا إِذَا طَرَّ مِنَ الثَّوْبِ الْأَعْلَى
فَلَا يَجِبُ قَطْعُهُ حَسَبَ مَا فَصَّلَهُ السَّكُونِيُّ وَ مَسْمَعُ أَبُو سَيَّارٍ فِي رَوَايَتَيْهِمَا عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع.

شیخ به این تفسیر که در کتب روایی آورده فتوا داده است:

مسألة ۵۱: من سرق من جیب غیره، و كان باطنا بأن يكون فوقه قميص آخر، أو من كمه و كان كذلك، كان عليه القطع. و ان سرق من الكم الأعلى أو الجيب الأعلى فلا قطع عليه، سواء شده في الكم من داخل أو من خارج. و قال جميع الفقهاء: عليه القطع، و لم يعتبروا قميصا فوق قميص، إلا أن أبا حنيفة قال: إذا شده في كمه، فإن شده من داخل و تركه من خارج فلا قطع عليه، و ان شده من خارج و تركه من داخل فعليه القطع. و الشافعي لم يفصل. دليلنا: إجماع الفرقة و أخبارهم ، و أيضا الأصل براءة الذمة. و أيضا ما ذكرناه مجمع على وجوب القطع فيه، و ما ذكروه ليس عليه دليل.

در این کلام باطن بودن جیب و آستین شرط قطع ید است و تفسیر باطن بودن در هر دو صورت به این است که لباسی روی لباس دیگر پوشیده باشد. جیب به معنای گریبان در قران بکار رفته است (فليضرن بخمرهن على جيوبهن- ادخل يدك في جيبيك) اما به معنای جیب فارسی نیز بکار رفته است. در روزگار قدیم که لباس‌ها جیب نداشته کیسه سکه‌ها را درون گریبان یا آستین خود می‌نهادند و به نحوی آنها را می‌بستند. کم کم کیسه را درون آستین یا لباس یا روی آنها دوختند تا ثابت باشد و مانند جیب امروزی شده است.

شهادت ثانی (م. ۹۶۶) معتقد است که مقتضای این دو روایت همانست که شیخ طوسی بدان فتوا داده است یعنی قول به تفکیک بین جیب در لباس رویی و لباس زیری ولی او این دو روایت را معتبر نمی‌داند.

هذا التفصیل هو المشهور بین الأصحاب، ذکره الشیخ و غیره. و مستنده روایة السکونی ... و روایة مسمع بن أبی سیار... و فی الروایتین ضعف. و مقتضاهما أن المراد بالظاهر ما فی الثوب الخارج، سواء كان بابه فی ظاهره أم باطنه، و سواء كان الشدّ علی تقدیره من داخله أم من خارجه.

در عین حال او این دو روایت را ضعیف می‌داند ولی این تفصیل را بین اصحاب مشهور می‌داند. ضعف روایت سکونی مبتنی بر مبنای شهادت ثانی است که عمل به روایت موثق را به دلیل خروج از قید ایمان جایز نمی‌داند. او همچنین شهرت فتوایی را جابر سند روایت ضعیف نمی‌داند، ولی در کلام او اشکالاتی وجود دارد. یکی این که این قول شیخ قول مشهور نیست بلکه قول دیگر شیخ که تفکیک بین جیب ظاهر و جیب باطن است. قول مشهور است و گویا شهادت ثانی بین این دو قول شیخ تفکیکی قائل نشده است. دوم این که عدم عمل به روایات موثق نوعی سخت‌گیری رجالی از شهادت ثانی است که مقبول اکثر علمای متأخر و متقدم نیست.

قول دوم در این مسأله از شیخ مفید (م. ۴۱۳) است که بین آستین و جیب داخلی و آستین و جیب بیرونی تفصیل قائل شده است.

- و من سرق شیئا من جیب إنسان أو من كمة و كان مقداره ربع دينار فصاعدا قطع إن كان الكم أو الجیب باطنین و إن كانا ظاهرين استرجع منه و عزز و لم يقطع.

- استرجاع در اینجا به معنای بازپس گرفتن است در اینجا چون تفسیری برای جیب یا آستین باطنی وجود ندارد به ظاهر آن اخذ می‌کنیم که شرط پیراهنی روی پیراهن دیگر در آن نشده است.

خود شیخ نیز در کتاب نه‌ایه تفسیر پیراهنی روی پیراهن را نیاورده است که می‌توان آن را قول دوم شیخ در نظر گرفت:

و من سرق شیئا من كم إنسان أو جيبه، و كان باطنین، وجب علیه القطع. فإن كانا ظاهرين، لم يجب علیه القطع، و كان علیه التّأديب و العقوبة بما يردعه عن مثله.

شیخ طوسی در مبسوط نیز در آستین باطنی بین بستن از داخل یا بستن از خارج قائل به تفصیل شده است:

جیب الإنسان إن كان باطناً فهو حرز لما فيه، وكذلك الكم عندنا و إن كان ظاهراً فليس بحرز، و قال قوم الجيب حرز لما يوضع فيه في العادة، و لم يفصلوا، فإذا أدخل الطرار يده في جيبه فأخذه أو بط الجيب أو بط الجيب و الصرة معا فأخذه فعليه في كل هذا القطع، و الكم مثله على ما قلناه إن أدخل يده فيه فأخذه، أو خرق الكم أو بطه فأخذه أو بط الكم و الخرقة فأخذه فعليه القطع. و أما إن شده في كفه كالصرة ففيه القطع عند قوم، سواء جعله في جوف كفه و شده كالصرة من خارج الكم، أو جعله من خارج الكم و شده من داخل حتى صارت الصرة في جوف كفه. و قال قوم إن جعلها في جوف الكم و شدها من خارج فعليه القطع و إن جعلها من خارج و شدها من داخل فلا قطع، و هو الذي يقتضيه مذهبنا.

جیب انسان اگر در باطن باشد حرز برای محتوایش محسوب می‌شود و همین طور است آستین نزد ما و اگر (جیب انسان) در ظاهر باشد حرز محسوب نمی‌شود. ولی عده‌ای گفته‌اند که جیب عادتاً حرز برای محتوایش است و تفصیلی (که ما گفتیم) قائل نشده‌اند پس اگر جیب بر دستش را در جیب کسی کند و چیزی بردارد یا جیب را ببرد یا جیب و کیسه را با هم ببرد و محتوایش را بردارد در تمامی این موارد باید (دستش) قطع شود. و آستین هم مثل جیب است بنابر آنچه ما گفتیم اگر دستش را درون آن کند و محتوایش را بردارد یا آستین را پاره کند یا ببرد و محتوایش را بردارد یا آستین و تکه‌ای از لباس را ببرد و محتوایش را بردارد باید (دستش) قطع شود. اما اگر آن را در آستینش مثل کیسه بسته باشد نزد عده‌ای باید (دستش) قطع شود خواه آن را در داخل آستینش گذاشته باشد و آن را مثل کیسه از بیرون آستین بسته باشد یا آن را از بیرون آستین قرار داده و از داخل بسته باشد طوری که کیسه درون آستینش قرار گرفته باشد. و قومی گفته‌اند که اگر در درون آستین قرارش دهد و از بیرون آن را ببیند باید (دستش) قطع شود و اگر از بیرون قرار دهد و از داخل آن را ببندد قطع دست ندارد. و این همانست که مذهب ما

اقتضا می‌کند.

در این کلام شیخ نکاتی برای تأمل وجود دارد.

نکته اول این که در اینجا شیخ در ابتدای کلام خود به حرز بودن یا حرز نبودن پرداخته که بحثی موضوعی در مسأله ماست سپس به بحث حکمی پرداخته که قطع یا عدم قطع است. او در ابتدای کلام خود طوری مسأله را بیان کرده که معیار را حرز بودن یا حرز نبودن جیب یا آستین قرار داده است به این بیان که جیب داخلی حرز است و جیب بیرونی حرز نیست. با توجه به روایاتی که گذشت این فتوای جالبی است چون در این بیان داخل یا بیرونی بودن جیب عنوان مشیر به حرز بودن یا حرز نبودن است نه این که جیب داخل یا بیرون موضوعیتی در حکم داشته باشد. از آنجا که در اینجا تفسیری برای درون و بیرون بودن جیب به این که دو لباس پوشیده باشد وجود ندارد، ظاهر این عبارت، همان است که شیخ مفید نیز بدان فتوا داده است.

نکته دوم این که عده‌ای گفته‌اند که جیب مطلقاً حرز است خواه درونی باشد یا بیرونی که این فتوا خلاف روایات ماست.

نکته سوم این که در مقام بستن کیسه درون آستین برخلاف ابوحنیفه معیار داخل یا بیرون بودن نخ را معیار قرار نداده‌اند بلکه معیار را داخل یا بیرون بودن خود کیسه قرار داده‌اند. این فتوا نیز می‌تواند مستند به روایت سکونی باشد که معیار قطع دست را داخل یا خارج بودن خود مال قرار داده و سخنی از مفهوم نخ کیسه و مانند آن در روایات نرفته و روایات نسبت به این مفهوم اطلاق دارند.

محقق (م. ۶۷۶) در شرائع نیز قول شیخ مفید را اختیار کرده است:

و لا يقطع من سرق من جيب إنسان أو كمه الظاهرين و يقطع لو كانا باطنين.

شهید اول (م. ۷۸۶) نیز کلامی مشابه کلام شیخ مفید آورده و شهید ثانی (م. ۹۶۶) در توضیح کلام شهید اول نیز فتوایی مشابه شیخ مفید داده است:

و الجيب و الكم الباطنان حرز، لا الظاهران و المراد بالجيب الظاهر: ما كان في ظاهر الثوب الأعلى و الباطن ما كان في باطنه، أو في ثوب داخل مطلقا.

در اینجا شهید اول نیز به عنوان موضوعی اخذ کرده که حرز بودن یا حرز نبودن است. در اینجا شهید اول نیز به عنوان موضوعی اخذ کرده که حرز بودن یا حرز نبودن است. و شهید ثانی نیز از همین باب جیب داخلی لباس رویی را حرز دانسته است و این برخلاف برداشت اولیه شیخ طوسی در روایات است.

در ادامه شهید ثانی در باره آستین گفته است:

أما الكم الظاهر فقليل: المراد به ما كان معقودا في خارجه لسهولة قطع السارق له فيسقط ما في داخله و لو في وقت آخر، و بالباطن ما كان معقودا من داخل كم الثوب الأعلى، أو في الثوب الذي تحته مطلقا... و الأخبار في ذلك مطلقة في اعتبار الثوب الأعلى و الأسفل فيقطع في الثاني، دون الأول، ... و هو في الكم حسن. أما في الجيب فلا ينحصر الباطن منه فيما كان فوقه ثوب آخر، بل يصدق به و بما كان في باطن الثوب الأعلى...


منظور شهید ثانی این است که اخبار به صورتی مطلق لباس رویی و زیری را معیار حکم دانسته و قیدی نزده که بند کیسه را از داخل آستین بسته باشد یا از بیرون آستین. در عین حال باید توجه داشت که این کلام شهید ثانی تفصیل بین آستین و جیب است. در آستین قائل به قول اول شده که بین آستین لباس رویی و آستین لباس زیری تفکیک می‌شود ولی در جیب قائل به قول دوم شده یعنی بین جیب ظاهر و جیب باطن (اعم از این که در لباس رویی باشد یا زیری) تفکیک قائل شده است. و این قول سوم در مسأله است.

صاحب جواهر نیز قول اخیر شهید ثانی در مورد جیب داخل لباس رویی را که قطع ید دارد پسندیده است و آن را به متفاهم عرفی از حدیث اسناد می دهد:

... قلت: لعل من الباطن، الجیب فی باطن القميص الأعلى، ... قد يقال بنحو ذلك في الكم أيضا، بل قد يقال: إن معنى الخبرين إن طر الأعلى من قميصه فلا قطع، و إن طر الأسفل من قميصه قطع على جعل من الأعلى و الأسفل مفعولين لطر، و ربما يؤيد ذلك العرف.

مجلسی اول (م. ۱۰۷۰) به معنای دوم تصریح کرده و آن را نسبت به معنای اول مناسب تر می داند:

المسموع من المشايخ أن المراد من القميص الأعلى أعلى القميص فإنه لا يلبس قميصان، و المراد بأعلى القميص أن يوضع الدراهم في باطن القميص و يشد من ظاهره، فتكون حينئذ بمنزلة الخارج من الحرز و بالأسفل عكسه و لما كان الشد حينئذ من الباطن، فكأنه أخذها من الحرز. و ذهب بعض الأصحاب إلى ظاهر الخبر و قال: كلما سرق من الثوب الأعلى سواء كان باب الجيب من الظاهر أو الباطن و كذا الشد لا يقطع، و في الثوب الأسفل القطع مطلقا و نسيبه إلى ظاهر الخبرين و المسموع أنسب بظاهرهما.



از کلام محمد تقی مجلسی صور متعددی برای مسأله ترسیم شده است. دو مورد آن همان بود که در معنای دو روایت گفتیم.

مورد دیگری که در کلام او مطرح شده این که اگر درهم‌ها را درون پیراهن رویی بگذارد دو صورت متصور است یکی این که آن را از رو ببندد و دیگری این که آنها را از زیر ببندد. ولی این معنا از حدیث بعید است چون فرض بستن در معنای حدیث وجود ندارد. بلکه مراد از روی پیراهن این است که با تعبیه چیزی مثل جیب روی لباس آن را در روی پیراهن قرار دهد یا در پیراهن رویی قرار دهد.

حتی می‌توان گفت فرض این که درهم‌ها را در باطن لباس قرار دهد و آن را از رو ببندد در حدیث وجود ندارد.

حسب نقل فراهیدی (م. ۱۷۵) در قرن دوم جیب گذاشتن برای لباس یا پیراهن امری مرسوم بوده است.

جَيْبُ الْقَمِيصِ تَجْبِيَا: جعلت له جيباً

در این عبارت، اگر قمیص را پیراهن معنا کنیم چون پیراهن به خودی خود گریبان دارد الزاماً جیب را به معنای جیب امروزی معنا می‌کنیم ولی اگر قمیص را لباس معنا کنیم آن گاه ممکن است جیب را به معنای جیب امروزی گرفت و ممکن است آن را به معنای گریبان و یقه گرفت. در فرض معنای دوم عبارت به این معناست که وسط پارچه‌ای را که لباس قرار گرفته (یعنی پارچه‌ای که به نوعی آن را به عنوان لباس دور خود بپیچند مثل لباس احرام) سوراخ می‌کنند تا آن را از ناحیه سر بپوشند. در این معنا نیز با قرار دادن یقه برای لباس امکان این که درون گریبان چیزی قرار دهند و کارکرد جیب امروزی را داشته باشد فراهم می‌شد درحالی که اگر لباس یقه نداشته باشد این امر به سادگی امکان ندارد. ولی این معنای دوم احتمالی بعید است چون لباس نیز می‌تواند هم گریبان داشته باشد و هم جیب داشته باشد و گریبان قرار دادن برای لباس بدون دوخت دو کنار آن و آستین یا حلقه آستین قرار دادن برای آن فرضی نادر است و اگر پارچه‌ای بخواهد با تغییر یافتن گریبان پیدا کند معمولاً جای آستین و دوخت کناری را هم همراه دارد و از این سه کار تعبیر به «جَيْبُ الْقَمِيصِ» امری بعید است. بنابر این حتی اگر قمیص را به معنای پیراهن بگیریم اظهر این است که معنای عبارت فوق جیب قرار دادن برای لباس است نه گریبان قرار دادن برای آن که ملازم به دو کار دیگر یعنی جای آستین قرار دادن و جای دوختن کناره لباس است.

حسب نقل فراهیدی (م. ۱۷۵) در قرن دوم جیب گذاشتن برای لباس یا پیراهن امری مرسوم بوده است.

جَيَّبْتُ الْقَمِيصَ تَجْبِيًّا: جعلت له جَيْبًا

بنابر این روی لباس قرار دادن درهم‌ها به این معناست که چون در قدیم سوراخی در لباس تعییبه می‌کردند که راه به یک کیسه دوخته شده در لباس داشته باشد، روی لباس بودن به این معنا می‌شود که این سوراخ از روی لباس یا آستین لباس راه دارد نه از داخل آن. البته این فرض نیز متصور است که در لباس‌هایی که جیب ندارند، درهم‌ها در همیان قرار گیرد و کیسه همیان با بندی روی لباس بسته شود یا زیر لباس بسته شود. ولی این بسته شدن با بند از الفاظ روایت استفاده نمی‌شود و الفاظ روایت با جیب‌دار بودن لباس و آستین و بدون جیب بودن آن سازگار است.

کلام محقق محمد باقر مجلسی (م. ۱۱۱۰) صاحب کتاب بحار الانوار پس از نقل کلام شهید ثانی در شرح لمعه و کلام شیخ در خلاف (که مراد از جیب باطن آنست که رویش لباس دیگری پوشیده باشد و در آستین باطن فرقی بین بستن از داخل یا خارج نگذاشته است ولی در مبسوط در آستین باطن بین بستن از داخل و از خارج قائل به تفصیل شده و در دومی قائل به قطع نیست.) در تفسیر این روایات نوشته است:

و الأخبار في ذلك مطلقة في اعتبار الثوب الأعلى و الأسفل، فيقطع في الثاني دون الأول، و هو موافق للخلاف، و مال إليه في المختلف و جعله المشهور، و هو في الكم حسن. أما في الجيب، فلا ينحصر الباطن منه فيما كان فوقه ثوب آخر، بل يصدق به و بما كان في باطن الثوب الأعلى كما قلناه.

و این دقیقاً همان فتوای شهید ثانی است.

والحمد لله رب العالمين